

# بازخوانی یک اقدام انقلابی در سال ۱۳۵۷ در جهرم

«اقدام شهید حسن فرداسدی در حمله به رئیس شهربانی و فرماندار نظامی جهرم و

تأثیر آن در شور انقلابی مردم منطقه»

وحید کارگر جهرمی<sup>۱</sup>

## مقدمه

حسن فرداسدی فرزند امرالله در سال ۱۳۳۵ در نظام آباد تهران متولد شد. در ۲۱ سالگی دوره دوساله (فوق دیپلم) کمک مهندسی دانشکده مخابرات را در رشته «مایکروویو» از دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی به پایان رساند و مدتی عضو انجمن اسلامی مخابرات و سرپرست اداره کل ناحیه ۹ تلفن شهری بود. او هر چند از آیت الله گلپایگانی تقلید می کرد ولی علاقه و دلبستگی شدیدی به امام خمینی (ره) داشت و می گفت دستور امام هر چه باشد، اجرا می کند. وی که در سال های خفقان علیه نیروهای شاهنشاهی اعلامیه پخش می کرد، پس از پایان تحصیلات در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ جهت خدمت نظام وظیفه به جهرم اعزام شد. با اوج گیری فعالیت های انقلابی ملت مسلمان ایران و برقراری حکومت نظامی در شهرهای مختلف از جمله جهرم با اهالی شهر همکاری نزدیک داشت. با لباس نظامی در نماز جماعت مساجد جهرم حضور می یافت و پس از اتمام نماز با مردم به گفت و گو می پرداخت. وی همواره

۱. پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی





سربازان دیگر را به برخورد خوب و انسانی با مردم سفارش می کرد و در کنترل سربازان ناآگاه تابع فرماندهان نقش بسزایی داشت.<sup>۱</sup>

حسن فرداسدی که جمعی گروهان دوم آموزشی مرکز آموزش جهرم به فرماندهی ستوان دوم عباسی بود،<sup>۲</sup> در تاریخ ۴ آبان ماه ۱۳۵۷ در یک اقدام انقلابی به رئیس شهرداری جهرم و فرماندار حکومت نظامی این شهر که به روی مردم آتش گشوده بودند حمله کرده و آنها را به هلاکت می رساند. در نتیجه این اقدام سرهنگ تصاعدی رئیس شهرداری جهرم کشته و سرتیپ نادور فرماندار حکومت نظامی این شهرستان به شدت مجروح شد و برای درمان به تهران و سپس به امریکا انتقال یافت. مقاله حاضر می کوشد از طریق مصاحبه با افرادی که در آن دوره در جهرم حضور داشتند و همچنین بررسی اسناد و مدارک موجود و منتشر نشده تاریخی، گوشه‌ای از این واقعه تاریخی و تأثیر آن در شور انقلابی مردم منطقه را به طور اجمالی و کوتاه بررسی نماید.

### اعلام حکومت نظامی در جهرم و ۱۱ شهر دیگر

در روز ۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۷، تعداد زیادی از مردم تهران در میدان شهید (میدان آزادی فعلی) تجمع و ضمن برگزاری تظاهرات، قطعنامه‌ای در محکومیت رژیم قرائت کردند. در پایان این روز، شورای امنیت ملی، متشکل از جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر، امیر خسرو و افشار وزیر امور خارجه، ارتشبد غلامرضا ازهاری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، سپهبد ناصر مقدم رئیس ساواک، سپهبد صمد صمدیانپور رئیس شهرداری، سپهبد احمد علی محقق فرمانده ژاندار مری و ارتشبد عباس قره‌باغی وزیر کشور، جلسه‌ای تشکیل داد. در این جلسه سپهبد مقدم رئیس وقت ساواک اظهار داشت که طبق گزارش‌های رسیده، تظاهرات پنجشنبه (۵۷/۶/۱۶)، در روز جمعه (۱۷ شهریور) هم ادامه خواهد داشت؛ در نتیجه مقدم به شاه اطلاع داد که ضرورت دارد اعلام حکومت نظامی شود و شاه در پاسخ دستور داد مسئله را در شورای امنیت بررسی کنند. رئیس اداره دوم و سوم ارتش هم که در این جلسه شرکت کرده بودند به برقراری حکومت نظامی تأکید کردند. پس از این جلسه شریف‌امامی، هیئت دولت را تشکیل داد. اعضای هیئت دولت قبل از نیمه شب دور هم جمع می شوند و در آنجا سپهبد مقدم و ارتشبد ازهاری رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، نسبت به برقراری حکومت نظامی تأکید می کنند.

۱. یادنامه شهید فرداسدی، تهران، انجمن اسلامی مخابرات، بی تا، ص ۵.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳، ج ۱۴،



هیئت دولت هم به این موضوع رأی می‌دهد. شریف‌امامی در آخرین مرحله برپایی حکومت نظامی را به نظر شاه می‌رساند<sup>۱</sup> و شاه برای آنکه کنترل اوضاع از دست او خارج نشود، در همان شب دولت را وادار می‌سازد تا در تهران و یازده شهر دیگر حکومت نظامی برقرار کنند. یکی از آن یازده شهر، شهرستان جهرم بود.<sup>۲</sup>

در پنجمین جلسه هیئت وزیران در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۶/۱۶ به ریاست جعفر شریف‌امامی، نخست‌وزیر، تصمیم بر آن گرفته شد تا اعلامیه‌ای از طرف دولت برای اطلاع عموم به منظور برقراری حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهرستان کشور صادر شود. رژیم شاه که از تظاهرات مردم ایران در روز ۱۷ شهریور وحشت داشت، در اولین ساعات جمعه ۱۷ شهریور ماه، توسط ارتشبد غلامعلی اویسی، فرماندار نظامی تهران، اعلام حکومت نظامی کرد. در قسمتی از این اطلاعیه چنین آمده بود:

[دولت] ناگزیر حکومت نظامی را برای مدت ۶ ماه در شهرهای تهران، کرج، قزوین، قم، مشهد، تبریز، اهواز، آبادان، اصفهان، شیراز، کازرون و جهرم اعلام می‌نماید.<sup>۳</sup>

به محض اعلام حکومت نظامی در شهرهای ذکرشده، فرمانداری نظامی شهرها منصوب شدند. در جهرم هم سرتیپ احمد نادور<sup>۴</sup> به عنوان فرماندار نظامی انتخاب شد.<sup>۵</sup> محل فرماندهی حکومت نظامی جهرم، در شهربانی جهرم بود و مأموران آنها به سرعت در مکان‌های حساس به خصوص در میدان ششم بهمن (شهدای کنونی)، رو به روی باغ ملی و میدان مصلی، چهارراه بهارستان و به طور کلی در اکثر میدان‌ها و چهارراه‌ها، استقرار یافتند.<sup>۶</sup>

با وجود اعلام حکومت نظامی در روز جمعه ۱۷ شهریور جمعیت بسیار زیادی از مردم تهران، به راهپیمایی پرداخته و از نقاط مختلف شهر به سمت میدان شهدا (زاله سابق)

۱. همان، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۴۳.

۲. غلامرضا نجاتی، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۱.

۳. آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازبایی: ۰۳۶۱۷۰، ۱۳۵۷/۶/۱۶، ص ۲.

۴. ساواک در گزارشی در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۹ نظر فرماندار جهرم، مهدی سیف، درباره فرماندار نظامی شهرستان جهرم (سرتیپ احمد نادور) را چنین آورده است: «تیمسار مردی است فوق‌العاده خودخواه و سبک‌مغز و مغرور و حتی دیوانه است. مشارالیه افزود: بیچاره مردم جهرم که باید تحمل این شخص نادان را بکنند...» ساواک در ادامه می‌نویسد: «این‌گونه اختلافات بین دو مقام در چنین موقعیتی و آن هم در شهرستان جهرم ضمن اینکه سبب رکود امور محوله می‌گردد اثرات نامطلوبی را در بر خواهد داشت»، *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*، همان، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۵۸.

۵. روح‌الله حسینیان، *یک سال مبارزه برای سرنگونی شاه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۹.

۶. مصاحبه نگارنده با آقای حاج شکرالله جهان‌مهرین از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.



حرکت کردند. نیروهای رژیم که با تجهیزات کامل در محل حضور داشتند، به محض آنکه میدان از جمعیت پر شد و مردم شعارهایی علیه رژیم سردادند، از هر طرف بر روی مردم آتش گشودند که در اثر آن تعداد زیادی از مردم تهران شهید، مجروح و بازداشت شدند.<sup>۱</sup> این حادثه نقطه عطفی در مبارزات مردم گردید و در تاریخ به عنوان جمعه سیاه یا جمعه خونین به ثبت رسید. مردم جهرم هنگامی که از این واقعه مطلع شدند دست به تظاهرات عظیمی زدند و مجلس ختمی برای شهدای ۱۷ شهریور تهران برگزار کردند.<sup>۲</sup> بعد از کشتار مردم تهران، نمایشگاه‌های سیاری در جهرم تشکیل شد که عکس‌ها و پوستره‌های شهدا و مجروحان واقعه ۱۷ شهریور تهران را به نمایش عموم گذاشت. برپایی این نمایشگاه‌ها که حتی به دورترین روستاهای جهرم برده شد، در اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم نسبت به جنایات‌های رژیم در واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بسیار کمک کرد. یکی از این نمایشگاه‌ها در مسجد بهارستان جهرم برپا شده بود که عناصر انقلابی جهرم شب‌ها با اسلحه از روی پشت‌بام مسجد نگهداری می‌دادند تا مأموران رژیم نتوانند به این نمایشگاه هجوم ببرند.<sup>۳</sup> برپایی این نمایشگاه با استقبال بسیار زیاد مردم جهرم مواجه شد. حتی تعداد زیادی از ارتشی‌ها با لباس شخصی به این نمایشگاه‌ها می‌آمدند و از آن بازدید می‌کردند. شاید بتوان گفت که این امر در حرکت ارتشیان جهرم در مخالفت با رژیم نقش مهمی ایفا کرد؛<sup>۴</sup> به طوری که چندی بعد رئیس شهربانی و فرماندار حکومت نظامی جهرم توسط یک سر باز حکومت نظامی مورد هدف گلوله قرار گرفتند که به کشته شدن یک نفر و مجروح شدن دیگری انجامید.

### تظاهرات مردمی و گسترده در جهرم علیه رژیم به مناسبت ۴ آبان ماه

مأمورین شاه و حافظین منافع رژیم سلطنتی پهلوی که موقعیت خود را هر روز بیش از پیش از دست رفته می‌دیدند، به منظور تضعیف روحیه انقلابی مردم به خصوص جوانان و انمود کردن اینکه نظام بر مسند قدرت نشسته است و هیچ حرکتی نمی‌تواند در آن تزلزلی ایجاد نماید، تصمیم بر این گرفته بودند تا در روز چهارم آبان ماه ۱۳۵۷ مصادف با سالگرد تولد شاه مراسمی هر چند مختصر در ساختمان شهرداری جهرم برگزار نمایند. این خبر به گوش عده‌ای از مردم جهرم رسیده بود و آنها تصمیم گرفته بودند به رغم

۱. جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۳۲۱.

۲. مصاحبه نگارنده با آقای حاج سید ابراهیم رستگار از مبارزان انقلاب اسلامی، جلسه اول، جهرم، دی‌ماه ۱۳۸۸.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای کرامت‌الله رستگاریان از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.

۴. مصاحبه نگارنده با آقای محمدعلی (ابراهیم) آهی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.

اعلام حکومت نظامی و حضور شمار زیادی از نیروهای امنیتی و نظامی در نقاط مختلف، تظاهراتی در چند نقطه شهر تدارک بینند. از جمله مراکزی که تظاهراتی از سوی مردم جهرم در روز ۴ آبان ماه در آن ترتیب داده شد، مسجد نو واقع در غرب این شهر بود. مضمون شعارهای مردم در این روز چنین بود: «روز تولد شاه، روز عزای ملت» و «چهارم آبان ماه، تولد یزید است».

آقای ابراهیم جمالی از مبارزان انقلاب در جهرم که در تظاهرات اطراف مسجد نو حضور داشت، می گوید:

از این کوچه به آن کوچه می رفتیم. کم کم اکثریت مردم که اکثراً جوان ها بودند با شنیدن شعار از منزل خود بیرون آمده و به ما پیوستند تا جایی که از دحام عجیبی به چشم می خورد و جای سوزن انداختن نبود. به حدی شور و هیجان در تظاهر کنندگان بود که هیچ کس سر از پا نمی شناخت. به خاطر شلوغی بیش از حد به چهار گروه تقسیم شده بودیم، ناگهان متوجه شدیم که نیروهای نظامی از همه طرف ما را در محاصره خود در آورده اند، تا جایی که از هر جای کوچه قصد داشتیم خود را به خیابان برسائیم، راه را بر ما بسته بودند و هر وقت هم فشار زیاد می آوردیم با تیراندازی هوایی به صورت تک تیر و رگبار با ما مقابله می کردند. این برنامه ساعتی ادامه داشت. از ناحیه نیروی نظامی عرصه بر همه ما تنگ شده بود. ما قصد برخورد با سربازان را نداشتیم و دوست نداشتیم خودمان را با آنها درگیر کنیم؛ زیرا که حضرت امام (ره) توصیه نموده بودند مردم با برادران ارتشی که اکثراً سربازان و از فرزندان این آب و خاک بودند درگیر نشوند. تا اینکه یکی از ماشین های سبک ارتشی که جیب رو باز بود با تعدادی سرنشین به محوطه مسجد نو آمدند. در آن روزها بعضی افراد با راهنمایی دانشجویان یا فارغ التحصیلان رشته شیمی ترکیباتی از مواد شیمیایی، صابون، بنزین و... داخل بطری می کردند و فیتیله ای هم به آن نصب می کردند که یک سر آن داخل بطری و یک سر آن بیرون بود. به مانع که می زدند مشتعل می شد. یکی از آنها که در دست جوانی بود به کنار لاستیک عقب جیب پرتاب کرد و مشتعل شد. مأموران خیلی سریع فرار کردند. ابتدای ضلع شرقی مسجد نو چند لحظه ای آتش روشن بود و بعد خاموش شد. مجدداً نیروهای





نظامی آهسته آهسته آمدند... ما شعار خودمان را می‌دادیم، آنها نیز سعی در پراکنده نمودن ما داشتند.<sup>۱</sup>

آنچه در اینجا بسیار حائز اهمیت بود و مایه قوت قلب مبارزان انقلابی در جهرم به شمار می‌آمد، این بود که اکثر منازل، درب حیاط ورودی خود را باز نموده بودند و هر وقت که تظاهر کنندگان، موقعیت خود را در خطر می‌دیدند وارد این منازل می‌شدند. مهم‌تر اینکه خواهران ساکن در منازل هم، هر وسیله دفاعی اعم از چوب، سنگ، آجر، بیل و میله آهنی که در منزل داشتند در اختیار تظاهر کنندگان می‌گذاشتند. به همین خاطر مأموران جرئت نمی‌کردند وارد منازل بشوند؛ چون یارای مقابله تن به تن نداشتند. عده‌ای هم برای اینکه راه گریزی از این معرکه پیدا کنند یا اینکه بهتر بتوانند با مأموران مقابله نمایند به پشت‌بام‌ها رفته بودند. بعضی سایه‌بان‌های مغازه‌ها فلزی بود؛ گاه مأموران می‌رفتند زیر این سایه‌بان‌ها تا دیده نشوند. افرادی که بر روی پشت‌بام‌ها بودند برای اینکه مأمورین را بترسانند سنگ بر روی این سایه‌بان‌ها می‌انداختند و چون صدا می‌کرد مأموران دچار وحشت می‌شدند. ویژگی مهمی که منازل آن محل داشت این بود که بسیاری از خانه‌ها از طریق پشت‌بام به همدیگر راه داشت؛ یعنی اگر فردی به پشت‌بام منزلی می‌رفت، تا چندین مکان دیگر می‌توانست تغییر مکان بدهد و خود را به خیابان و مکان دیگر برساند. عده زیادی از تظاهر کنندگان از طریق همین پشت‌بام‌ها خود را به بلوار فردوسی (شهید رجایی فعلی) رسانده بودند. در آن محل نیز درگیری‌هایی پراکنده بین مأموران و مردم جهرم رخ داد.<sup>۲</sup>



محل ترور فرماندار حکومت نظامی و رئیس شهرداری جهرم

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.  
۲. همان.

## هلاکت رئیس شهربانی و فرماندار حکومت نظامی

در تاریخ ۵۷/۸/۴ شکافی که بسیاری منتظر بودند تاروژی در پرسنل ارتش ظاهر شود، آشکار شد و سرباز دیپلمه و وظیفه، به نام حسن فراداسدی بر روی رهبران نظامی جهرم آتش گشود. سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی جهرم را کشت و سرتیپ احمد نادور فرماندار نظامی جهرم را به سختی مجروح کرد. سرتیپ نادور از سه ناحیه سینه، ران، دست چپ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و برای درمان با هلی کوپتر به شیراز فرستاده شد.<sup>۱</sup> خبر اولیه منعکس شده به تهران بر خلاف واقع این بود که مردم به فرمانداری نظامی ریخته و سرتیپ نادور فرماندار نظامی و سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی جهرم را ترور کردند. این خبر ساعت ۱۲ همان روز ۴ آبان به تهران واصل گردیده بود.<sup>۲</sup> آقای ابراهیم جمالی درباره چگونگی انعکاس این خبر در بین مردم می گوید:

ما که در تظاهرات محله مسجد نو حضور داشتیم، بعد از حضور پر تعداد مأموران نظامی به منزل یکی از افراد انقلابی جهرم که در نزدیکی آن محل قرار داشت رفتیم و پنهان شدیم. از اتفاقاتی که در خارج از منزل، در داخل شهر در جریان بود، بی خبر بودیم. فقط می دانستیم که درگیری هایی بین مردم و مأموران در بلوار فردوسی وجود دارد ولی از دیگر مناطق جهرم بی اطلاع بودیم. در همین حال بود که یکی از خواهران آن منزل که برای خرید از صبح بیرون رفته بود به منزل بازگشت. ما از ایشان سؤال کردیم چه خبر از داخل شهر؟ مأمورین بودند یا رفتند؟ گفت: هیچ کس نیست و همه رفته اند و این طور که مردم نقل می کردند، سر میدان مصلی در شرق جهرم یک افسری را کشته اند. اینجانب از همان خانه با مغازه برادرم که تقریباً به میدان مصلی، محل وقوع حادثه نزدیک بود تماس گرفتم و پرسیدم اخوی چه خبر؟ ایشان هم همان خبر را تأیید کرد و گفت: مرتباً ماشین ها در حال آژیر کشیدن هستند و به طرف بیمارستان می روند. چون مأمورین اطراف ما را رها کرده بودند، بالاخره ما هم تشکری از صاحب خانه کردیم و بیرون آمدیم. با احتیاط خود را به خیابان پادگان که به نام بلوار امام حسین (ع) نامگذاری شده و نسبتاً خلوت بود رساندم و از آنجا به هر شکل ممکن

۱. مسعود بهنود، نخست وزیران/ ایران از سید ضیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۸۰۶.  
۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۵، ۱۳۵۷/۸/۵، ص ۱.





که بود خود را به شرق جهرم که محل حادثه بود رساندم. در خیابان‌های شهر ماشین‌های ارتشی داریم در رفت و آمد بودند. یک هلی کوپتر در آسمان جهرم مانور می‌کرد و قصد فرود داشت. بعد معلوم شد سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی وقت به وسیله یکی از سربازان به نام حسن فراداسدی کشته شده و سر تیپ نادور فرمانده حکومت نظامی جهرم به شدت مجروح گردیده است. آن هلی کوپتر هم برای انتقال سر تیپ احمد نادور از بیمارستان جهرم به شیراز مهیا شده بود.<sup>۱</sup>

آقای آهی از دیگر مبارزان انقلاب اسلامی در جهرم می‌گوید:

در روز ۴ آبان ماه و قبل از واقعه در میدان شهدا و خیابان منوچهری (جمهوری اسلامی فعلی) بودم که خبر تیراندازی به سمت فرماندار نظامی جهرم را شنیدم. در ظرف چند دقیقه خود را به محل حادثه رساندم. سکوت عجیبی همه جا را فرا گرفته بود و کمتر کسی در خیابان و پیاده‌روها و میدان مصلی از ترس آنکه مبادا او را دستگیر کنند وجود داشت.<sup>۲</sup>

به گزارش اسناد ساواک در حوالی ساعت ۱۱:۰۰ روز ۴/۸/۵۷ هنگامی که تیمسار سر تیپ احمد نادور فرماندار نظامی جهرم به اتفاق سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی جهرم با خودرو و رنجرو و اسکورت در حال گشت در شهر بودند، در میدان مصلی جهرم، توسط شخصی ناشناس به سوی آنان تیراندازی شد و موجبات مصدمیت آنها را فراهم آورد. آن دو جهت درمان به بیمارستان شیر و خورشید جهرم اعزام شدند، اما سرهنگ تصاعدی فوت و تیمسار سر تیپ نادور از ناحیه دست به شدت مجروح شد.<sup>۳</sup>

گفته‌های مأموران رژیم حاکی از آن است که آنها هیچ‌گونه اطلاع از شخصی که به سمت رئیس شهربانی و فرماندار حکومت نظامی شلیک کرده ندارند و حتی مأمورانی نیز که در محل حادثه حضور داشته‌اند اعلام می‌کنند که متوجه اینکه چه شخص یا اشخاصی به طرف سردمداران رژیم در جهرم شلیک کرده‌اند، نشده‌اند. در گزارش سرهنگ درخشان، معاون فرماندار نظامی جهرم، به دادستان فرماندار نظامی جهرم، چنین آمده است:

... از فرمانده گروهان دوم آموزشی مرکز آموزش جهرم (ستوان دوم

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی، همان.

۲. مصاحبه نگارنده با آقای محمدعلی (ابراهیم) آهی، همان.

۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۱۴، ص ۲۰۳.



عباسی) مستقر در میدان مصلی چگونگی را سؤال کردم. موضوع تیراندازی را تأیید و اظهار داشت نمی‌دانم چه کسی و از کجا تیراندازی کرده است...<sup>۱</sup>

تنها ستوان دوم عباسی، فرمانده گروهان دوم آموزشی مرکز آموزش جهرم که مأمور در شهر و میدان مصلی بوده، اظهار می‌دارد که یکی از سربازان به نام حسن فرداسدی که مأمور در میدان مصلی بوده با اسلحه و مهمات پست خود را ترک کرده و متواری است. به همین منظور مأموران رژیم نسبت به ایشان مشکوک شده و دستور می‌دهند، سرباز مذکور هر چه زودتر دستگیر و شناسایی گردیده و تحقیقات در این باره از ایشان به عمل آورند تا فرد مظنون مشخص گردد.<sup>۲</sup>

مأموران رژیم در حالی از شلیک حسن فرداسدی اعلام بی‌اطلاعی می‌کنند که مردم عادی که در محل حادثه حضور داشته‌اند، شخصی را که به سمت فرماندار حکومت نظامی و رئیس شهربانی جهرم شلیک کرده، مشاهده کرده‌اند. از جمله آقای کرامت‌الله رستگاریان از زبان یکی از دوستانش که در حادثه حضور داشت، چنین نقل می‌کند:

هنگامی که حسن فرداسدی در حال تیراندازی به طرف رئیس شهربانی و فرماندار حکومت نظامی بود، بقیه سربازان که در میدان مصلی حضور داشتند یا از قبل هماهنگ شده بود و یا از ترسشان، اسلحه‌های خود را در حالی که زیر شکمشان نهاده بودند در اطراف میدان دراز کشیده بودند و فقط خود فرداسدی خیلی راحت به طرف رئیس شهربانی و فرماندار حکومت نظامی جهرم شلیک می‌کرد.<sup>۳</sup>

آقای ابراهیم جمالی در این باره می‌گوید:

اینجانب تلفنی با بعضی از دوستان نزدیک که در زمان حادثه در آنجا حضور داشتند تماس گرفتم تا از کم و کیف حادثه اطلاع یابم. با توجه به توضیحاتی که آنها دادند معلوم شد که حدود ساعت ۱۱ صبح یک سرباز از قسمت ضلع شمالی میدان مصلی و با پناه گرفتن در کیوسک یا اتاق فلزی تقویت‌کننده برق به مجرد اینکه ماشین حامل رئیس شهربانی و فرمانده حکومت نظامی به میدان وارد می‌شود با سردادن شعار الله اکبر،

۱. همان، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۲۰۳.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای کرامت‌الله رستگاریان، همان.





ماشین آنها را به رگبار می‌بندد و بعد سریع از منطقه فرار می‌کند.<sup>۱</sup> خود حسن فرداسدی نیز بعد از دستگیری و در جریان بازجویی که از ایشان به عمل می‌آید به متوجه شدن همه سربازان و مأموران انتظامی از قبیل افسران، درجه‌داران، اسکورت و همچنین پرسنلی که در میدان مصلی مستقر بودند، اشاره می‌کند و می‌گوید: من اتومبیل حامل تیمسار نادور و سرهنگ تصاعدی را در فاصله ۳ متری هدف گلوله قرار دادم و تقریباً ۸ یا ۹ تیر به رنجور حامل آنها شلیک کردم... مگر ممکن است که کسی متوجه تیراندازی من نشده باشد. کلیه مأموران انتظامی و حتی غیر نظامیان دقیقاً تیراندازی من به سوی تیمسار نادور و سرهنگ تصاعدی را مشاهده می‌کردند. اما هیچ یک از آنها عکس‌العملی در هنگام تیراندازی من از خود نشان ندادند بلکه همگی در حال بهت و بی‌تفاوتی بودند.<sup>۲</sup>

علی ضرغام‌پور، راننده اتومبیل رنجور حامل تیمسار نادور و سرهنگ تصاعدی، در جریان بازجویی از چگونگی وقوع حادثه می‌گوید:

در روز چهارم آبان ماه ۵۷ یعنی روز حادثه من اتومبیل حامل سرتیپ نادور و سرهنگ تصاعدی را هدایت می‌کردم. اتومبیل حامل تیمسار که من عهده‌دار رانندگی آن بودم پس از بازدید از اداره راهنمایی و رانندگی به طرف خیابان محمدرضا (آیت‌الله کاشانی فعلی) در حرکت بود و پس از طی آن خیابان به میدان مصلی رسیدیم. همین که وارد میدان مصلی شدیم، سرگرد هوشنگ محضری با علامت دست اشاره به توقف اتومبیل داشت و می‌خواست مطالبی را به عرض تیمسار نادور برساند و تیمسار با مشاهده علامت توقف سرگرد محضری دستور توقف صادر فرمودند و به من امر نمودند که نگاه‌دار ببینم چه کار دارد. سرگرد محضری به حضور تیمسار آمد و عرض کرد تیمسار در خیابان فردوسی مأمورین درگیر شده‌اند و مأمورین ناگزیر شده‌اند که به سمت مهاجمین تیراندازی

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی، همان.

۲. برگرفته از پرونده بازجویی از حسن فرداسدی که آقای ابراهیم جمالی در اختیار نگارنده قرار داده است. آقای ابراهیم جمالی درباره چگونگی کشف پرونده حسن فرداسدی در جهرم می‌گوید: بعد از پیروزی انقلاب اینجانب به همراه دوستان دیگر از جمله آقایان غلامرضا صحرائی، هدایت‌الله کاووسی، عزیز چرخ‌انداز و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌اللهی، مسئول حفظ و اداره امورات شهربانی شدیم. در همین جا بود که پرونده‌ها به دست ما افتاد. هر چند که شهربانی جهرم در واپسین روزهای پیروزی انقلاب به آتش کشیده شد و به رغم اینکه بسیاری از پرونده‌ها در جریان آتش‌سوزی از بین رفت؛ اما پرونده حسن فرداسدی سالم باقی مانده بود.

نمایند و از گاز اشک آور هم استفاده شده است. تیمسار دستور فرمودند که من ترتیب لازم را می‌دهم و به من دستور حرکت دادند. همین که من چند قدم حرکت نمودم اتومبیل هدف گلوله قرار گرفت.<sup>۱</sup>

### تلاش مأموران رژیم برای دستگیری حسن فرداسدی

حسن فرداسدی پس از اقدام انقلابی خویش به سرعت خود را به داخل جمعیت غیر نظامیان رساند و در حالی که فریاد الله اکبر سر می‌داد، از دید مأموران پنهان شد.<sup>۲</sup> مدتی بعد به داخل کوچه‌ای که در نزدیکی میدان مصلی قرار داشت رفت و سپس وارد خانه‌ای شد که درب منزل آن باز بود و بدون آن که صاحب‌خانه آگاهی یابد در پشت‌بام پنهان شد. منزلی که حسن فرداسدی به آن پناه برد متعلق به شخصی به نام آقای امرالله تشکری بود. آقای حاج غلامعلی مهربان از مبارزان انقلاب اسلامی در جهرم به نقل از آقای تشکری چنین اظهار می‌دارند:

فکر کنم در بیستمین سالگرد شهادت حسن فرداسدی بود که به منظور بزرگداشت ایشان مراسمی در جهرم برگزار شد. در این مراسم که خانواده شهید حسن فرداسدی هم حضور داشتند، آقای امرالله تشکری صاحب‌خانه منزلی که فرداسدی به آن خانه پناه برده بود صحبت کردند. ایشان در آن مجلس گفتند: در منزل بودیم که متوجه شنیدن سر و صدایی از بالای پشت‌بام منزلمان شدیم. به بالای پشت‌بام رفتیم و حسن را مشاهده کردیم. بعد از اینکه جریان را برای ما توضیح داد، از او خواستیم تا آرامش خود را حفظ کند و نگران نباشد که به ایشان کمک خواهیم کرد. به همین خاطر لباس زنانه‌ای را تن حسن کردیم و چادری هم بر سر ایشان انداختیم و در حالی که حسن بین مادر و خواهرم حرکت می‌کرد به سر خیابان مصلی رسیدیم. از قبل هم ماشین‌های در آنجا تهیه کرده بودیم. در ماشین نشستیم و بدون آنکه برای کسی جلب توجه شود، حسن را به باغی بردیم و در تونل کنار چاهی که در باغ بود، مخفی کردیم.<sup>۳</sup>

بعد از مجروح شدن سرتیپ احمد نادور، به جای او سرتیپ حسین بابایی پیروز به

۱. همان.

۲. همان.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای حاج غلامعلی مهربان از مبارزان انقلاب اسلامی، جلسه سوم، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.





سمت فرماندار حکومت نظامی جهرم منصوب گردید و در مورخه ۱۳۵۷/۸/۵ از تهران به محل مأموریت خود در این شهر اعزام شد.<sup>۱</sup> همین‌طور سروان صفایی تا تعیین رئیس شهرداری جهرم، امور شهرداری را بر عهده گرفت تا هر چه سریع‌تر اقدامات لازم برای دستگیری سرباز مفقودشده انجام گیرد.<sup>۲</sup> مرکز آموزش جهرم، برای یافتن هر چه زودتر سرباز مظنون که بعد از این حادثه پست خود را ترک کرده بود، اقدامات مختلفی انجام داد. اولاً به سرعت کلیه سربازان مأمور در میدان مصلی (محل وقوع حادثه) را با مراقبت به پادگان برده و با حفاظت کامل، از سلاح و مهمات آنان بازدید و لوله تفنگ را مخصوصاً از نظر اینکه تیراندازی شده یا نه بازدید نمودند. ثانیاً برای دستگیری حسن فرداسدی تصمیم بر آن گرفتند که عکس وی را تکثیر و در اختیار مأموران بگذارند. ثالثاً از خودروهای ورودی و خروجی شهر بازدید به عمل آوردند تا بتوانند هر چه سریع‌تر حسن فرداسدی را دستگیر نمایند.<sup>۳</sup> رابعاً از منازل واقع در کوچه‌های مشرف به میدان مصلی به وسیله مأمورین بازدید به عمل آمد.<sup>۴</sup> همین‌طور معاون فرماندار نظامی جهرم و حومه سرهنگ درخشان دستور می‌دهد تا هر چه سریع‌تر اقدامات زیر انجام گیرد:

۱. هر چه زودتر بازپرس نظامی جهت تحقیق به محل اعزام دارند.
۲. برای سرپرستی شهرداری افسر تعیین و اعزام نمایند.
۳. دو گروهان سرباز از ارتش جهت تقویت مأمورین فرماندار نظامی به جهرم اعزام نمایند.
۴. جهت انجام امور فرمانداری نظامی جهرم اوامر مقتضی صادر نمایند.<sup>۵</sup>

## بازداشت حسن فرداسدی

روحانیون و عناصر انقلابی جهرم، بعد از ترور فرماندار نظامی و رئیس شهرداری جهرم بر آن شدند تا هر طوری شده حسن فرداسدی را پیدا و به مکان امنی منتقل کنند. به همین خاطر جلسه‌ای در منزل یکی از روحانیون سرشناس جهرم، یعنی آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی (نوه آیت‌الله سید عبدالحسین لاری) به همراه تعدادی از معتمدین و عناصر انقلابی جهرم برگزار گردید تا راه‌حلی برای پیدا کردن ایشان طراحی شود. اما قبل از اینکه آنها بتوانند در این باره جست‌وجو کنند، حسن فرداسدی توسط مأمورین

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۱۳۵۷/۹/۸، ص ۶.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۰۴.

۳. همان، ص ۲۰۴-۲۰۳.

۴. همان، ص ۲۰۵.

۵. همان، ص ۲۰۳.



رژیم در بامداد روز ۵/۸/۵۷ دستگیر شد.<sup>۱</sup> بعد از دستگیری حسن فرداسدی، اعلامیه‌ای از طرف برخی از اهالی جهرم در شهر پخش شد، مبنی بر آنکه ضارب سرهنگ تصاعدی و فرماندار نظامی جهرم از گروه قصاص بوده و اکنون نیز نزد ما قرار دارد و ماجرای سرباز دستگیر شده دروغ می‌باشد.<sup>۲</sup> بعد از پخش این اعلامیه در سطح شهر، فرمانداری نظامی جهرم، سرتیپ حسین بابایی پیروز در اعلامیه‌ای خبر دستگیری حسن فرداسدی را به اطلاع مردم جهرم رساند.<sup>۳</sup> سرهنگ درخشان معاون فرماندار نظامی جهرم در گزارشی به دادستان فرماندار نظامی این شهر، چگونگی بازداشت حسن فرداسدی را چنین گزارش می‌دهد:

در ساعت ۲۳:۰۰ به وسیله فردی باشرف و وطن پرست اطلاع یافتیم که دانش آموز مذکور لباس نظامی خود را تعویض و با لباس غیر نظامی در اطراف جهرم واقع در حوزه گروهان ژاندارمری مخفی شده و تقاضا نموده برای وی شام و وسایل خواب تهیه نمایند. بالاخره ضمن تبادل نظر با مخبر مورد بحث و کسب اطلاعات از وی با تهیه طرحی جهت دستگیری متهم که احتمال می‌رفت مسلح باشد با تعیین ۱۳ کیپ... به راهنمایی مخبر به محل عزیمت [کردیم]. مخبر مذکور با قرار و تبادل نظر قبلی پس از ورود به باغ با متهم مذاکره و به عنوان اینکه اینجا مناسب نیست به جای امن تری برویم، او را از باغ خارج و متهم مذکور که بدون سلاح بوده در ساعت ۰۱:۰۰ دم درب باغ [به] وسیله مأمورینی که گمارده شده بودند دستگیر می‌گردد.<sup>۴</sup>

آقای ابراهیم جمالی درباره چگونگی دستگیری حسن فرداسدی می‌گوید:

حسن فرداسدی در آن باغی که شب اسکان پیدا کرده بود توسط شخصی که به علت بدهکاری زیاد تحت تعقیب بود و بر حسب تصادف در همان باغ پناه می‌برد، برای خود شیرینی کردن به بهانه اینکه پتو و غذا برای حسن بیاورد از باغ خارج می‌شود و او را لو می‌دهد. حتی شایع شده بود که پول گرفته تا جایی که بسیاری از مردم در گفتار و شعارهایشان این را می‌گفتند: فلانی... چقدر گرفتی اسدی را لو دادی!؟

۱. مصاحبه نگارنده با آقای حسین جاوید از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۱۳۵۷/۸/۱۴، ص ۱۸۹.

۳. همان، ۱۳۵۷/۸/۱۵، ص ۶۲.

۴. همان، ص ۵۶.



بعد از آنکه عامل معرفی حسن فرداسدی به مأموران، توسط برخی از مردم جهرم شناخته شد، عده‌ای از مردم انفجاری در اطراف منزل ایشان ایجاد کردند و حتی بعد از انفجار تا آنجا که توانستند، قسمتی از ساختمان را هم با دست خراب کردند.<sup>۱</sup>

حسن فرداسدی بلافاصله پس از دستگیری به شهربانی جهرم منتقل و چند روز بعد در تاریخ ۵۷/۸/۱۱ به شیراز اعزام و به مقامات قضایی نظامی تحویل داده شد.<sup>۲</sup> وی در زمانی که در شهربانی جهرم بود، با شهادت به عمل انقلابی خویش اعتراف کرد. او در پاسخ به این پرسش که سلاح خود را در کجا مخفی نموده، اظهار داشت در بین راه انداخته است. سرانجام مأموران رژیم ضمن تماس با مخبر ذکر شده اطلاع یافتند که اسلحه ژ ۳ حسن فرداسدی در منزل شخصی به نام امرالله تشکری فرزند اسدالله واقع در کوی مصلی، کوچه شیخ می باشد. لذا در ساعت ۰۲:۰۰ از منزل امرالله به دقت بازدید به عمل آمد و در نتیجه تفنگ ژ ۳ شماره ۴۰۷۲۰۷ حسن فرداسدی که با آن سرهنگ تصاعدی به هلاکت و تیمسار سرتیپ احمد نادور مجروح شده بود در پشت بام خانه، داخل چوب‌های نخل که در پشت بام انباشته شده بود، به وسیله ستوان دوم عباسی، فرمانده گروهان حسن فرداسدی و استوار سلیمانی جمعی گروهان جهرم کشف گردید و امرالله تشکری تنها مرد ساکن خانه دستگیر<sup>۳</sup> و به اتهام اختفای سلاح حسن فرداسدی به شهربانی جهرم منتقل شد.<sup>۴</sup> خبرگزاری دولتی پارس بعد از دستگیری حسن فرداسدی، در خبر کوتاهی در مورد این ترور انقلابی اعلام کرد:

ضارب سرهنگ کمال تصاعدی رئیس شهربانی جهرم و سرتیپ نادور فرمانده حکومت نظامی جهرم دستگیر شد. وی حسن فرداسدی فرزند امرالله نام دارد و پیش از ظهر با اسلحه ژ-۳ باعث قتل رئیس شهربانی و مجروح شدن فرماندار حکومت نظامی گردید. به خاطر بحرانی بودن حال سرتیپ نادور وی برای معالجه به تهران منتقل گردید.<sup>۵</sup>

### تأثیر ترور انقلابی حسن فرداسدی در شور انقلابی مردم جهرم

حسن فرداسدی بلافاصله پس از دستگیری به شهربانی جهرم منتقل و چند روز بعد

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی، همان.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۴۹.

۴. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۵. پرویز سعادت (به کوشش)، روز شمار انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۰۱.

در تاریخ ۵۷/۸/۱۱ به شیراز اعزام و به مقامات قضایی نظامی تحویل داده شد. مهمترین واقعه‌ای که شکنندگی حکومت نظامی را آشکار کرد، حمله مسلحانه سرباز حسن فرداسدی به فرماندار نظامی جهرم و مجروح کردن وی و به قتل رساندن رئیس شهربانی جهرم بود. این اقدام اسدی که فردی مذهبی بود، وحشتی را در دل فرماندهان نظامی برانگیخت و نشان داد که ارتش نباید بیش از پیش روی نیروهای خود تکیه کند.<sup>۱</sup> اقدام انقلابی حسن فرداسدی باعث ایجاد رعب و وحشت در دل سردمداران رژیم و فرماندهان نظامی گردید و به فرماندهان ارتش هشدار داد که دست از حمایت این رژیم بردارند. این حرکت ضمن ایجاد تزلزل و شکاف در درون ارتش و عدم اعتماد فرماندهان رده بالا به پرسنل، نور آمیدی در دل ملت مسلمان منطقه تاباند و مبارزات مردم جهرم علیه رژیم را سرعت بخشید.<sup>۲</sup> فرماندار نظامی جدید جهرم، سرتیپ حسین بابایی پیروز در گزارشی به ریاست ستاد بزرگ در آبان ماه ۵۷، روحیه پرسنل نظامی شهر جهرم بعد از هلاکت فرماندار حکومت نظامی و رئیس شهربانی را چنین گزارش می‌دهد:

روحیه پرسنل به جهت ترور فرماندار نظامی و شهادت رئیس شهربانی و کثرت کار و نگهبانی مداوم تضعیف شده [است]. به عرض می‌رساند یک شهر جهرم ۶۵۰۰۰ نفر و با حومه یکصد هزار نفر جمعیت دارد که سوابق ممتدی در اخلاگری و شرارت دارند و در جریانات اخیر در ضمن نامنی‌ها و اغتشاشات مقدم بوده‌اند. به همین جهت نیز همیشه مرکز تیپ و واحدهایی در این حد بوده است.<sup>۳</sup>

موضوع حمله به فرماندار نظامی و رئیس شهربانی جهرم در مطبوعات داخلی و خارجی هم منعکس شد و حتی رادیوهایی مانند بی‌بی‌سی این ماجرا را در چند نوبت پوشش دادند.<sup>۴</sup> روزنامه کیهان درباره این حادثه می‌نویسد:

مقارن ظهر امروز فرماندار نظامی و رئیس شهربانی جهرم هنگام گشت در یکی از خیابان‌های شهر توسط فرد یا افراد ناشناسی هدف گلوله قرار گرفتند. سرهنگ تصاعدی رئیس شهربانی جهرم کشته شد و سرتیپ احمد نادور فرماندار نظامی جهرم از سه ناحیه سینه، ران و دست چپ مورد اصابت گلوله قرار گرفته است و قرار است سرتیپ نادور

۱. روح‌الله حسینیان، همان، ص ۴۵۷.

۲. یادنامه شهید فرد/اسدی، همان، ص ۷.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۱۳۵۷/۸/۱۶، ص ۲.

۴. مصاحبه نگارنده با خانم منصوره مصدقی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، آذرماه ۱۳۸۸.





تا ساعتی دیگر با هلی کوپتر به شیراز یا تهران اعزام شود؛ به طوری که گفته می‌شود حال فرماندار نظامی جهرم وخیم است. فرماندار نظامی و رئیس شهرداری حدود ظهر امروز به اتفاق چند افسر با یک اتومبیل رنجرو در فلکه مصلی مشغول گشت بودند که هدف گلوله قرار گرفتند. هنوز عاملان تیراندازی به سوی فرماندار نظامی و رئیس شهرداری جهرم معرفی نشده‌اند. گزارش رسیده حاکی است که از صبح امروز تظاهرات پراکنده‌ای در جهرم صورت گرفت و مأمورین با تیراندازی و پخش گاز اشک‌آور مردم را متفرق کردند.<sup>۱</sup>

از دیگر نتایج ترور فرماندار حکومت نظامی و رئیس شهرداری جهرم آن بود که بعد از این حادثه دیپلمه‌های وظیفه مرکز آموزش درجه‌داری را از نگهبانی، مأموریت و پست‌های مهم و حساس برداشتند<sup>۲</sup> و ظاهراً یک گردان ضربتی را به وجود آوردند که علاوه بر آن که دارای تجهیزات فراوان بودند، بسیار خشن نیز بودند. اکثر آنها حتی نمی‌توانستند فارسی صحبت کنند و در خیابان‌ها علاوه بر اینکه مردم را به شدت کتک می‌زدند، آنها را به فحش و ناسزا می‌گرفتند و بدترین الفاظ را نثار مردم می‌کردند. با وجود این همان‌طور که آیت‌الله محمدی گیلانی می‌فرماید، اقدام متهورانه حسن فرداسدی در حمله به فرماندار نظامی و رئیس شهرداری جهرم، حملات مردم به رژیم شاهنشاهی را تیزتر کرد.<sup>۳</sup> این موضوع به خصوص در شهر جهرم اثر چشمگیری گذاشت. در این شهر، مردم از مرگ سرهنگ تصاعدی و زخمی شدن تیمسار نادور خوشحالی می‌کردند. در عصر همان روزی که خبر حمله به رئیس شهرداری و فرماندار حکومت نظامی در سرتاسر شهر منتشر گردید، تظاهرات بسیار بزرگی در شهر جهرم شکل گرفت. مردم جهرم متشکل از قشرهای مختلف از جمله فرهنگی، کسبه، کشاورز، دانشجو و دانش آموز، ضمن تجمع در حسینیه‌ها و مساجد مانند مسجد جامع، مسجد نو، امامزاده حسین (ع)، حسینیه کوی علی پهلوان و... یکپارچه به خیابان‌ها آمدند و دست به تظاهرات وسیعی زدند. مضمون شعار مردم جهرم در عصر ۴ بان‌ماه بدین صورت بود: «تصاعدی ترور شد؛ شاه تو منتظر باش» و «رحمت به شیر اسدی»

پس از این واقعه، کنترل شهرها تا حدود زیادی از دست نیروهای نظامی که نگران جان خویش بودند خارج شد. لذا مردم انقلابی ایران که به خیابان‌ها ریخته بودند از این فرصت

۱. کیهان، ش ۱۰۵۹۶، ص ۴؛ و انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۰۷.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۱۶/۱۳۵۷/۸، ص ۲.

۳. یادنامه شهید فرداسدی، همان، ص ۵.





استفاده کرده و دست به عملیات ایذایی زدند؛ از جمله حمله به محل اسکان بعضی از مأموران رژیم و بعضاً به آتش کشیدن خانه‌های آنها و همین‌طور شکستن شیشه بعضی از بانک‌ها و مراکز حساسی که وابسته به رژیم بود.<sup>۱</sup> به‌طور نمونه عملیات ایذایی مردم جهرم علیه رژیم، بعد از دستگیری حسن فرداسدی گسترده‌تر شد. اسناد باقی‌مانده ساواک به خوبی این موضوع را تأیید می‌کنند. دو روز بعد از ترور رئیس شهرداری و فرماندار حکومت نظامی جهرم تظاهراتی در مخالفت با رژیم در این شهر برگزار شد.<sup>۲</sup> بنا بر گزارش ساواک:

در... روز ۵۷/۸/۶ تظاهرکنندگان در شهرستان جهرم که اکثراً دانش‌آموز بوده‌اند ضمن دادن شعارهای ضد میهنی بانک ایران‌شهر را مورد آتش‌سوزی قرار داده و شیشه‌های دبیرستان فروغ دانش و باجه بانک صادرات را شکسته‌اند و در ساعت ۱۲:۰۰:۰۰ اخلا لگران در معابر عمومی جمع و سپس مبادرت به آتش زدن یک باجه بانک صادرات و منزل و اتومبیل سرپاسبان ناطقی نموده و با پرتاب سنگ، شیشه منازل چند نفر از مأموران شهرداری را شکسته‌اند که تارسیدن مأمورین انتظامی متفرق شده‌اند.<sup>۳</sup>

در همین روز (۵۷/۸/۶) همه مدارس جهرم تعطیل بود. مغازه‌ها نیز در سطح خیابان‌ها و بازار بسته بود.<sup>۴</sup> ساواک در تاریخ (۵۷/۸/۲۲) گزارش می‌دهد که مردم جهرم قصد دارند منازل مأمورین شهرداری این شهرستان را مورد آتش‌سوزی قرار دهند.<sup>۵</sup> شهرداری استان فارس نیز در تاریخ ۵۷/۸/۱۶ با موضوع حمله به منازل مأمورین می‌نویسد:

مقدمین علیه امنیت مملکت تظاهرکنندگان را تحریک تا به منازل مأمورین حمله و ضمن وارد ساختن خساراتی آنها را به آتش بکشند که این عمل در شهرهای فیروزآباد، نیریز، لار، جهرم اتفاق افتاده است...<sup>۶</sup> به گزارش فرماندار نظامی جهرم سرتیپ حسین بابایی پیروز به ستاد بزرگ ارتش‌تاران، مردم جهرم در تاریخ ۵۷/۸/۹ از ساعت ۱۵:۰۰ به بعد در اکثر خیابان‌های شهر با تشکیل اجتماعات، مبادرت به تظاهرات و دادن شعارهای ضد شاه نمودند که مأمورین

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی، همان.

۲. پرویز سعادت (به کوشش)، همان، ص ۱۲۹.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۵۷/۸/۷، ۱۳۵۷، ص ۲.

۴. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۳۲۹.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۲۵۶.

۶. همان، ص ۳۰۸.



به منظور متفرق کردن آنها اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی کردند.<sup>۱</sup> روز جاری (۵۷/۸/۹) کلیه دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها تعطیل بود. در همین روز بانک بازرگانی نیز به آتش کشیده شد.<sup>۲</sup> در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ دانش‌آموزان تهرانی به همراه دیگر قشرهای مردم تهران به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند و شعار الله‌اکبر سردادند. مأموران رژیم بر روی آنها آتش گشودند، که در نتیجه آن عده زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان به شهادت رسیدند. در همین روز مردم جهرم دست به تظاهرات بزرگی در سطح شهر زدند. تظاهرکنندگان جهرمی در حالی که حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عبدالحسین آیت‌اللهی (معروف به آقای بزرگ) پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد به طرف منزل آیت‌الله حق‌شناس، از روحانیون سرشناس جهرم، حرکت کردند و در همان جا نیز ختم راهپیمایی اعلام گردید. تظاهرات در جهرم در روز ۱۳ آبان برخلاف تهران به خشونت منتهی نگردید.<sup>۳</sup>



تظاهرات مردم جهرم در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷

در فردای روز ۱۳ آبان (۵۷/۸/۱۴) نیز مردم جهرم، تظاهرات گسترده‌ای برگزار کردند و ضمن سردادن شعارهای خود خواستار برقراری حکومت اسلامی و بازگشت رهبر انقلاب به میهن شدند.<sup>۴</sup> در همین روز در نتیجه تظاهرات مردم سراسر کشور، دولت هفتادروزه جعفر شریف‌امامی به دستور شاه استعفا داد و به جای او ارتشبد غلامرضا ازهری به نخست‌وزیری انتخاب گردید. دولت نظامی ارتشبد ازهری همه توان خود

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۸۶۶۷، ۱۳۵۷/۸/۹، ص ۶۵.

۲. همان، ۱۳۵۷/۸/۸، ص ۱۰۶۴.

۳. مصاحبه نگارنده با آقای حاج سعید مسعودی از مبارزان انقلاب اسلامی، جهرم، بهمن ماه ۱۳۸۸.

۴. پرویز سعادت (به کوشش)، همان، ص ۳۵۸.



را صرف جلوگیری از تظاهرات و اعتصابات کرد؛ اما موفقیتی به دست نیاورد و بر شدت تظاهرات و اعتصابات افزوده شد.

به طور کلی رژیم با روی کار آوردن از هاری بر آن بود تا با اقدامات سخت گیرانه و نشان دادن چهره یک دولت نظامی و خشن، مردم ایران از جمله مردم جهرم را به عنوان یکی از کانون های مهم مخالفت با رژیم دچار ترس کند و آنها را از ادامه مبارزات و تظاهرات و اعتصابات بازدارد. با همه این تدابیر سخت گیرانه در روز ۵۷/۸/۲۰ (عید قربان) تظاهراتی توأم با شعارهای ضد شاه در خیابان کمربندی شهرستان جهرم انجام شد که مأموران به هر شکلی بود، مردم را متفرق کردند.<sup>۱</sup> از صبح زود روز ۵۷/۸/۲۲ عده زیادی از مردم جهرم در حین تظاهرات تنها سینمای شهرستان جهرم به نام سینما باربد، انبار پیپسی کولا، مشروب فروشی معروف به رضا عرقی و مهمانسرای جهانگردی جهرم را به آتش کشیدند.<sup>۲</sup> روزنامه کیهان که وقوع این حادثه را در ۱۵ آبان معرفی می کند، پس از دو ماه تأخیر درباره حوادث جهرم می نویسد:

در ۱۵ آبان عده زیادی از نوجوانان جهرم ضمن تظاهرات، تنها سینمای جهرم را به آتش کشیدند و تمام مشروب فروشی ها و انبار پیپسی کولا را آتش زدند.<sup>۳</sup>

### استقامت حسن فرداسدی در بازجویی

حسن فرداسدی پس از دستگیری به شهربانی جهرم و سپس در تاریخ ۵۷/۸/۱۱ به شیراز منتقل شد و از او در شرایط سخت و دشوار با زدن قفل به دست و زنجیر به پا، بازجویی به عمل آمد. اولین سؤال طبق روال این است، آیا سوگند یاد می نمایید در اینجا هر سؤال از شما به عمل آید حقیقت را گفته و چیزی جز حقیقت بر زبان نیاورید؟ ایشان در پاسخ جواب می دهد من در هیچ مواردی مبادرت به خوردن سوگند نکرده ام و حال نیز سوگند را یک نوع گناه تلقی می نمایم؛ لیکن با اتکا به ایمان هر چه از من سؤال شود جز حقیقت بیان دیگری ندارم؛ زیرا خوردن قسم دلیل راست گویی نمی باشد و با شهامت تمام اعتراف به عمل متهورانه و شجاعانه خود می نماید تا آنجا که می گوید:

من حق اسلحه را به جا آوردم و حق اسلحه، دفاع از صاحب اسلحه است

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۴۵۷.

۲. همان، ص ۲۵۷-۲۵۶.

۳. کیهان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۶، ش ۱۰۶۰۵، ص ۶.



که مردم‌اند.<sup>۱</sup>

در بازجویی‌ها مدام از او می‌خواستند که توضیح دهد انتخاب چهارم آبان که تولد شاه بوده و تاریخی که او برای تیراندازی به فرماندار نظامی و رئیس شهربانی جهرم انتخاب کرده، چه بستگی با هم دارد. یا اینکه بگوید منظور از فریاد الله‌اکبر او در زمان تیراندازی چه بوده است. مأموران رژیم حتی در دادگاه از او می‌خواهند که برای رهایی از اعدام بگوید در آن لحظه دچار جنون آنی شده و نفهمیده و نسنجیده به چنین کاری مبادرت ورزیده است؛ اما حسن فرداسدی محکم می‌ایستد و از اقدام انقلابی خود دفاع می‌کند. او در قسمتی از دفاعیات خود می‌گوید:

هدف نهایی من کشتن سه نفر از افسران ژاندارمری به نام سرگرد هوشنگ محضری، ستوان سوم حسن پور و ستوان سوم سامی‌وند بوده است؛ به خاطر آنکه اعمال بسیار ناپسندی از آنها در برابر مردم جهرم مشاهده نموده بودم و منتظر بودم که در فرصت مناسب نقشه کشتن آنها را عملی سازم؛ منتها این قرعه مرگ به نام سرهنگ تصاعدی افتاد. با این وجود از اینکه سرهنگ تصاعدی و سرتیپ نادور را هدف گلوله قرار داده‌ام اظهار ندامت و پشیمانی نکرده، بلکه برعکس بسیار خوشحال هستم؛ زیرا این عمل هشدار است برای عبرت سایر افرادی که سمت رهبری عده‌ای از نظامیان را بر عهده دارند.<sup>۲</sup>

در جریان بازجویی از وی این سؤال پرسیده می‌شود که آیا نقشه قتل سرهنگ تصاعدی و سرتیپ نادور را به تنهایی پیش خود ترسیم و سپس عملی نموده یا اینکه شخص یا اشخاص دیگری در این نقشه او را همراهی کرده‌اند؟ وی پاسخ می‌دهد که به تنهایی و بدون کمک از دیگران نقشه خود را عملی کرده‌ام و هیچ کس از اقدام من آگاهی نداشته است.<sup>۳</sup> با وجود این برخی از مبارزان انقلاب اسلامی در جهرم معتقدند، حتی اگر شخص یا اشخاصی در برنامه‌ریزی آن حادثه با حسن فرداسدی همکاری نداشته‌اند اما حداقل از اتفاق افتادن دیر یا نزدیک چنین حادثه‌ای در جهرم آگاهی داشته‌اند. در شب چهارم آبان ماه به وسیله شخص ناشناسی به رئیس شهربانی جهرم اطلاع داده می‌شود که چنانچه جشن چهارم آبان در جهرم برپا شود، کشته‌خواهی شد که همین اتفاق نیز رخ می‌دهد. معاون فرماندار نظامی جهرم و حومه، سرهنگ درخشان در گزارشی

۱. مصاحبه نگارنده با آقای ابراهیم جمالی، همان.

۲. برگرفته از پرونده بازجویی از حسن فرداسدی.

۳. همان.

به ریاست ساواک استان فارس درباره علت مخالفت مردم جهرم با رئیس شهربانی این شهر (سرهنگ تصاعدی) می گوید:

در یکی از شب‌ها در یکی از مساجد شهرستان جهرم مجلس قرائت قرآن برپا بوده و زمان از ساعت مقرر حکومت نظامی گذشته بود که افسر یادشده به مسجد می‌رود و لگد زیر یکی از جاقرائی‌ها می‌زند و این موضوع را مردم حاضر در مسجد می‌بینند و با وی بد می‌شوند.<sup>۱</sup>

آقای خلیل رستگاریان از مبارزان انقلاب اسلامی در جهرم می‌گوید:

چند روز قبل از حمله به فرماندار حکومت نظامی و رئیس شهربانی جهرم آقای مصطفی دخت که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به شهادت رسید، به اینجانب گفتند که دو نفر از بچه‌های پادگان قصد دارند عده‌ای از مسئولان بلندمرتبه نظامی جهرم را از بین ببرند. آنها نگران کشته شدن خود هم نیستند و فقط می‌خواهند مطمئن شوند که آیا کار آنها از نظر شرعی مشکل دارد یا ندارد. آقای مصطفی دخت با آنها ارتباط داشت و عصر جمعه‌ها که پادگان تعطیل بود، می‌آمدند و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام را به داخل پادگان می‌بردند. اینجانب به همراه شهید مصطفی دخت به پیش یک نفر رفتیم و از او خواستیم تا واسطه شود و از شخصی درباره شرعی یا شرعی نبودن این کار سؤال کند. این آقا به ما گفت آن شخص گفته که چون مسئولان بلندمرتبه جهرم در این زمان حکم مفسد فی الارض پیدا می‌کنند کشتن آنها از نظر شرع مشکلی ندارد. چند روز بعد از این ماجرا بود که آن حادثه ترور در جهرم رخ داد.<sup>۲</sup> آقای حاج غلامعلی مهربان نیز درباره ارتباط خود با شهید حسن فرداسدی چنین می‌گوید:

زمانی که ماهنوز حسن فرداسدی را نمی‌شناختیم و حتی نمی‌دانستیم که ایشان دوره آموزش نظامی خود را در جهرم سپری می‌کنند به وسیله رابط‌هایی که داشتیم به ما خبر دادند که شخصی به نام فرداسدی در پادگان است که با ما در ارتباط است و بعضی وقت‌ها در جلسات حضور می‌یابد. ایشان به ما گفته است اگر کاری دارید به

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۲. مصاحبه نگارنده با آقای کرامت‌الله رستگاریان، همان.





من بگویند تا برای شما انجام دهم. ما سفارش کردیم که مقداری باروت فشنگ می‌خواهیم. حسن فرداسدی حدود ۲۰۰ گرم باروت فشنگ از داخل فشنگ‌های موجود در پادگان خالی کرده بود و برای ما فرستاده بود.<sup>۱</sup>

خانواده ایشان هم مانند او در خط انقلاب بودند و خط فکری و مبارزاتی وی بارژیم شاهنشاهی را تأیید می‌کردند؛ اما از پاسخ او به سؤالات بازجوها چنین بر نمی‌آید که نقشه چهارم آبان برای اعدام انقلابی فرماندار نظامی و رئیس شهربانی جهرم را با آنها در میان گذاشته باشد.

### آزادی حسن فرداسدی از زندان

حسن فرداسدی از هفته اول آبان ۵۷ یعنی همان روزهای نخست اقدام انقلابی خویش تا دو روز مانده به پیروزی انقلاب را در زندان و بازداشتگاهی که از آن به بی‌دادگاه یاد می‌کرد، به سر برد. دادسرای ارتش، ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ را تاریخ اعدام ایشان اعلام کرده بود. او در قسمتی از دفاعیات خود در پادگان شاهپور گفته بود: بدانید قبل از اینکه بخواهند در مورد من حکم اعدام صادر کنند، من شب قبل از حادثه در مسجد پادگان جهرم در حضور الله، حکم اعدام خود را آگاهانه امضا کرده بودم و منتظر که هیچ، بلکه مشتاق اجرای این حکم هستم. با این حال، تلاش‌های زیادی برای رهایی سرباز از تیرباران، هم در استان و هم در سطح کشوری کلید خورد. تقاضای فرجام‌خواهی و ارسال نامه سرگشاده استادان دانشکده مخابرات به امام خمینی در پاریس از جمله این تلاش‌هاست. در جهرم هم از ناحیه دوستان او و همچنین آیت‌الله حق‌شناس و امام جمعه شهر، آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی، حرکاتی در حمایت از حرکت انقلابی شهید و جلوگیری از اعدام او صورت گرفت. آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی در چندین سخنرانی شدیداً به حمایت از فرداسدی پرداخت و به رژییم هشدار داد در صورت اتفاق هر گونه حادثه ناگواری برای وی، باید پاسخگو باشد.<sup>۲</sup> اما تقدیر، گویا سرنوشت دیگری را برای سرباز رقم زده بود. دو روز مانده به اعدام او انقلاب پیروز شد و با گشوده شدن

۱. مصاحبه نگارنده با آقای حاج غلامعلی مهربان، همان.

۲. مصاحبه نگارنده با آقای حسین جاوید، همان.

درب زندان‌ها به آغوش ملت بازگشت.<sup>۱</sup> با شنیدن خبر آزادی او دوستان و آشنایان و به خصوص مردم جهرم به شادی و شکرگزاری پرداختند. حسن فرداسدی پس از پیروزی انقلاب جهت تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب لحظه‌ای آرام ننشست و با تشکیل جهاد سازندگی به همراه عده‌ای از برادران عازم کردستان شد و در دفتر عمران امام جهاد سازندگی کامیاران مشغول خدمت به محرومین و مستضعفین در کارهای عمرانی و فرهنگی گردید. حسن فرداسدی در بحبوحه جنگ مسلحانه منافقین علیه جمهوری اسلامی و مردم مسلمان و در پی حرکت مذبوحانه منافقین در به آتش کشیدن اتوبوس شرکت واحد، متوجه منافقی مسلح شد. لذا حسن به تعقیب او می‌پردازد. این منافق در حین فرار به سمت او شلیک می‌کند. گلوله این مزدور به مچ دست چپ حسن برخورد می‌کند اما او با دست مجروح به طرف دشمن می‌رود؛ ولی منافق با خوردن قرص سیانوری که همراه داشت خود را از پا درمی‌آورد. پس از حادثه حسن به بیمارستان انتقال می‌یابد لکن انگشتان دست چپ وی برای همیشه از حرکت باز می‌ماند.<sup>۲</sup>

### شهادت حسن فرداسدی در جنگ تحمیلی

حسن فرداسدی با شروع جنگ تحمیلی برای دفاع از اسلام راهی جبهه حق علیه باطل شد. حضور او با عملیاتی در جبهه «دارخوین» آغاز شد. زمانی که سیم‌های کابل مخابرات را در بیابان وصل می‌کرد هدف ترکش خمپاره دشمن قرار گرفت و از ناحیه دست چپ و پای راست مجروح شد. بعد از یک هفته مداوا در بیمارستان اهواز به خانه برگشت. در عملیات «والفجر مقدماتی» بار دیگر همراه با برادر کوچکتر خود علیرضا در جبهه شرکت داشت که البته برگشت او بدون برادر بود. در عملیات والفجر ۱، ۲ و ۳ نتوانست شرکت کند؛ ولی بعد از آن دوباره عازم جبهه‌ها شد تا شاید پیکر برادرش را هم بیابد. سرانجام در ۲۱ آبان ۱۳۶۲ در عملیات «والفجر ۴» در حالی که بی‌سیم‌چی گردان بود در جبهه‌های غرب در «پنجوین» عراق به یاران شهیدش پیوست. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

۱. سرتیپ حسین بابایی پیروز فرماندار نظامی جهرم و حومه که جایگزین سرتیپ احمد نادور گردید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در گزارشی به حجت‌الاسلام و المسلمین آقای ری‌شهری در دفاع از خود می‌گوید: «پنجانب با وجود اصرار و اقدامات مجدانه معموله از طریق ساواک فارس مانع از تحویل دانش آموز ضارب حسن فرداسدی (که در همان شب قبل از ورود من دستگیر گردیده بود) به ساواک و ایجاد دردسر برای خانواده جهرمی که موجب فرار و پناه دادن به دانش آموز مزبور بوده است شدم و چه بسا این اقدام به خواست خدا موجب نجات وی یا جلوگیری از عدم کشته شدن وی گردیده است.» آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۳۵۷/۸/۵، ۱۸۶۶۷، ص ۴.

۲. یادنامه شهید فرداسدی، همان، ص ۹-۷.

